

## پرسش ۶۱۵: رؤیای سفر به همراه سید(ع) به شهری با پای پیاده

السؤال / ۶۱۵: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، يا معدن العلم، وموضع الرسالة، يا قائم آل  
محمد(ع) يا سيدي ومولاي وأبي، أعتذر مولاي عن إزعاجك، أسألك أن لا تتركني  
لنفسي أبداً والله أنا مرتعبة جداً من أن أخذلكم.

پرسش ۶۱۵: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و  
سلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

ای معدن علم و جایگاه رسالت، ای قائم آل محمد(ع)، ای سرور و مولا و پدرم، از  
این که باعث آزردهی شما می شوم عذر می خواهم، مولای من. از شما خواهش می کنم  
که هرگز مرا به حال خودم وامگذارى.

مولاي، أرجوك لا تتركني لنفسي يا نور، وكيف أتخلص من ظلمتي إلا بنورك  
مولاي، اللهم اجعني معك دائماً أبداً ولا أخذك أبداً حتى ينقطع النفس يا ربي.

سرورم! از تو خواهش می کنم مرا به حال خودم رها مکن. ای نور! و چگونه از  
تاریکی ام رهایی یابم مگر به نور تو ای سرورم! خداوند مرا به طور دائم تا ابد با شما قرار  
دهد و هرگز از شما جدا نسازد تا نفسم بند بیاید، ای پروردگار من!

مولاي وأبي، رأيت قبل مدة هذه الرؤيا:

رأيت أني كأي مسافرة معك أبي إلى مكان مدينة أخرى مشياً، وكانت تبعد أربعين كيلو متر منها، وأنا قبل أن أسافر ذهبت إلى مكان أشتري منه ورق لأستر نفسي، وكانت ألوان الأوراق بالبرتقالي والأصفر، وكان الأصفر كثيرة والجميع يمكنهم شراءها والبرتقالية نادرة، وأنا أردت أستر نفسي بالبرتقالي، فلا أعلم كيف استطعت أن أمرر مع الورق الأصفر ورق برتقالي أيضاً ولم تلاحظني البائعة.

در رؤیا دیدم گویی من با شما پدرم، به شهر دیگری پیاده مسافرت می کردم. این شهر ۴۰ کیلومتر فاصله داشت و من قبل از این که سفر کنم به جایی رفتم تا کاغذ بخرم تا خودم را با آن بپوشانم. رنگ کاغذها به رنگ پرتقالی و زرد بود. رنگ زرد زیاد بود و همه می توانستند آن ها را بخرند ولی رنگ پرتقالی کمیاب بود و من می خواستم خودم را با رنگ پرتقالی بپوشانم. نمی دانم چطور توانستم با کاغذ زرد و نیز با کاغذ پرتقالی عبور کنم و خانم فروشنده مرا ندید.

وبعدھا رأیت أننا فی الطریق وکنت ألبس جاکیت ساخن کالذی یلبس فی الشتاء وساترنی لکن فی رجلی کنت أرتدی سروال یصل لمنتصف ساقی وکان ضیق بعض الشیء وکان لیس عندی کیف أستر نفسي، وقلت لی أبي فی وسط الطریق: ألم أقل لك أن تستری نفسك أو شیء هکذا، وبدأت أبکی وأقول لك أن تسامحني وانحیت علی یدک أقبلها وترکتني روعي فداک وکل شیء فداک، وكانت تفوح منها رائحة المسک جمیلة جداً.

سپس در خواب دیدم که ما در راه بودیم و من یک ژاکت خیلی گرم مثل همان ها که در زمستان می پوشند به تن کرده بودم. این ژاکت مرا پوشانده بود ولی به پایم شلواری که به نصف ساق پایم می رسید و مقداری تنگ بود داشتم و چیزی که با آن خودم را بپوشانم در اختیار نداشتم. شما پدرم در وسط راه به من گفتم: آیا به تو نگفتم خودت را بپوشان، یا چیزی شبیه آن. من شروع به گریه کردم و به شما می گفتم مرا ببخش. خم

شدم و دست شما را بوسیدم و شما که جانم و همه چیز فدایتان باد، مرا ترک کردی و بوی بسیار خوش مشک از آن پخش می شد.

**بعد ذلك وصلنا إلى المدينة الأخرى وبعد ذلك أربكت عندي الأحداث، وكنت ترتدي جلباب فضفاض وتغطي رأسك وكان لونه بني.**

و بعد از آن به شهر دیگر رسیدیم و بعد از آن حوادث در نزد من به هم ریخت و شما عبایی گشاد پوشیده بودی و رنگ آن قهوه‌های بود.

**والسلام عليكم وعلى أهل بيتك الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته.**

المرسل: ielhassani

سلام بر شما و بر خاندان طیب و طاهر تو و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ielhassani

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين  
وسلم تسليماً.**

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و  
سلم تسليماً.

**وفقك الله لكل خير، الملابس تشير إلى تقوى الإنسان ومدى التجائه  
إلى الله وعبادته وتوكله عليه سبحانه وتعالى، (يا بني آدم قد أنزلنا عليكم**

لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ  
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ) ([187]).

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! لباس، به تقوای آدمی و مقدار پناه آوردن او به خدا و عبادت و توکل او بر خدای سبحان اشاره دارد. (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرم‌گاهتان را بپوشد، و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند گیرید) ([188]).

ورؤياك فيها إرشاد لك أن تلجئي إلى الله سبحانه وتعالى بالعبادة  
والإخلاص واغتني الأيام المباركة في شعبان ورمضان، وفقك الله لكل  
خير.

این خواب شما اندرزی برای شما است به این که با عبادت و اخلاص، به خدای سبحان پناه بری و ایام مبارک شعبان و رمضان را مغتنم شماری. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - نيمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



[187] - الأعراف: 26.

[188] - اعراف: 26.

